



انترناسیونال ۴۸۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



hekmat.public-archive.net

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۴ آذر ۱۳۹۱، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲ - ۱۲ صفحه

بیست و یک سال حزب کمونیست کارگری!

گفتگوی کانال جدید با حمید تقوایی

بداریم. او بود که این حزب را
تاسیس کرد و پرچم جنبش
کمونیسم کارگری را بلند کرد. هنوز
هم تا امروز آن سیاست ها و جهت

حمید تقوایی: اجازه بدهید قبل
از اینکه به این سوال جواب بدهم -
و برای اینکه خوب بتوانم جواب
بدهم- به این مناسبت یاد عزیز
منصور حکمت را اینجا گرامی

محمد کاظمی: بیست و یکسال
از تاسیس و آغاز فعالیت های حزب
میگذرد، فکر میکنید تاثیر
فعالیت های حزب در جامعه ایران
چه بوده است؟

ادامه صفحه ۲

وقتی بخاری نفتی به بمب سیاسی تبدیل میشود



اصغر کریمی

اعتراف کردند که در زندان
هایشان "کوتاهی" صورت گرفته
اما به خاطر همین کوتاهی! هفت
نفر از زندانبانان و مسئولین از
جمله رئیس پلیس فتا از کار
برکنار شدند. و یادمان باشد که
این رژیم است که همچنان با
اعدام نفس میکشد. واقعه دوم
آتش سوزی در مدرسه شین آباد
بود که به يك بمب سیاسی علیه
حکومت تبدیل شد. انگشت ها
به طرف رژیم و وزیر آموزش و
پرورشش نشانه رفت، فضای
اعتراضی وسعت گرفت و بحث
استیضاح وزیر توسط نمایندگان
مجلس مطرح شد. نایب رئیس
مجلس اعتراف کرد که "یکسری
مشکلات" در آموزش و پرورش
ادامه صفحه ۹

دو واقعه در هفته های اخیر،
قتل ستار بهشتی و آتش سوزی
در مدرسه شین آباد پیرانشهر،
عمق روندهای سیاسی در ایران را
به هر ناظری نشان میدهد.
قتل جنایتکارانه ستار
بهشتی ویلاگ نویسی نه چندان
شناخته شده از يك خانواده
کارگری مثل تبری کمانه کرد و به
قلب رژیم نشست. مقامات

اسلام اردوغانی در چنبره انقلاب مصر!

اساسی اسلاميون، صرف نظر
ماهیت ارتجاعی و کثیف آن که روز
به روز اعتراض بیشتری خواهد
برانگیخت، در صورتی که از
فراندم بگذرد، حتی در کوتاه مدت
نیز سلاح چندان قدرتمندی برای
اعمال حاکمیت اسلامی ها نخواهد

محمد مرسی هم اکنون برای
بخش مهمی از جمعیت مصر (و
ایضا دنیا!) به کاریکاتور مسخره
ای از مبارک تبدیل شده که
فرمانهای او برای قدرت مطلقه
بخشیدن به خود، جوك محافل شده
است. خواست پایین کشیدن او در
تظاهرات های دو هفته گذشته
وسیعا مطرح شد. بعلاوه قانون

مصطفی صابر

حتی اگر محمد مرسی و اسلاميون
هوادارش در مصر بتوانند در
فراندم سرهم بندی شده ۱۵ و ۲۲
دسامبر بر سر قانون اساسی سرهم
بندی شده تر پیروز شوند، بازهم
آشکارا بازنده تحولات دو سه هفته
اخیر هستند.

ادامه صفحه ۳

کارگران علیه قانون کار اسلامی و "لایحه اصلاحی" آن

صفحه ۱۲

کنفرانس مطبوعاتی در ساختمان اتحادیه
اروپا در استراسبورگ
و چند ملاقات با نمایندگان پارلمان اروپا

صفحه ۸

صفحات دیگر

انقلابی زنده است زنده باد مردم مصر

یاشار سهندی

خامنه ای و اختلافات دولت و مجلس!

ازاصلاح قانون انتخابات تا ممنوعیت استیضاح
و...!

محمد شکوهی

ادامه بحران سیاسی در ایتالیا!

شهاب بهرامی

زنان رشیده و گذرنامه

فرح صبری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیست و یک سال حزب کمونیست کارگری!



حمید تقوایی

از صفحه ۱

گیری ها و تئوری هایی که او مطرح کرد، خط حزب و بنیاد های فکری و سیاسی حزب را تشکیل میدهد. از این نظر جا دارد تا بیست و یکمین سالگرد حزب را در عین حال سالگرد گرامیداشت منصور حکمت هم بدانیم.

اما اگر بخواهیم بطور مشخص به سوال شما بپردازیم که تاثیرات حزب چه بوده است، میتوان با شاخص های اجتماعی این تاثیرات را مشاهده کرد. منظورم اینست که هرکس ناظر اوضاع سیاسی ایران باشد میتواند ببیند که در عرصه های مختلف مبارزه، در جنبش کارگری، در اعتراض علیه اعدام، در اعتراض علیه بی حقوقی زن، در اعتراض علیه خفقان و اختناق سیاسی که وجود دارد، علیه اسلام سیاسی و حکومت مذهبی و غیره در همه جا رنگ حزب و ردپا و تاثیرات حزب ما بچشم میخورد.

مشخصا فقط چند نمونه را اشاره میکنم. در جنبش کارگری، برای مثال، وقتی حزب مطرح کرد که این جنبش باید جلو بیاید و باید فعالین آن چهره ها و نهادهایش بطور علنی فعال بشوند و به اصطلاح جنبش کارگری باید متعین و معرفی شود، بخصوص رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری باید در جامعه قد علم کنند، آنوقت هنوز

هیچکدام از اتفاق هایی که امروز می بینیم نیفتاده بود. امروز اگر جنبش کارگری را نه فقط با بیست سال پیش بلکه با ده سال پیش هم مقایسه کنید می بینید که برآب از این نقطه نظر، یعنی معرفی و متعین شدن نهادها و چهره ها، پیشرفت چشمگیری کرده و بسیار جلو آمده است. امروز نهادها و کمیته هائی از دست اندرکاران و فعالین جنبش کارگری تشکیل شده، که شناخته شده هستند و حرف شان را میزنند. چهره های جنبش کارگری شناخته شده اند. جنبش کارگری کمپین ها و اعتصابات و مبارزات وسیعی داشته و در همه اینها تا حد زیادی چهره ها و رهبران معلوم بوده است. از یکطرف دیگر جنبش مجمع عمومی تا حدی رشد کرده و کارگران بخصوص در زمان اعتصاب و مبارزه بر مجمع عمومی اتکاء میکنند. پرچم همه اینها را حزب بالا برده بود. منظورم این نیست که مستقیما و بلاواسطه اینها محصول کار و ثمره فعالیت اعضا و فعالین حزب است، بلکه منظورم این است که در یک سطح اجتماعی تاثیرات آن خط و جهت و سیاسی هائی که حزب اعلام کرد، فضایی که ایجاد کرد را شما میتوانید امروز در جنبش کارگری کاملا مشاهده کنید.

بعضی عرصه ها را در واقع حزب به راه انداخت و توجه جامعه را به آن جلب کرد و پیشکسوت آن بود. مثل مبارزه برای حقوق کودک، پلاتفرمش را نوشت و اعلام کرد این حرکت را و شما امروز می بینید که یک حرکت نسبتا وسیعی در جامعه هست مثل تشکل های دفاع از کودکان کار و خیابان و غیره که حقوق کودکان امرشان است. یا مبارزه علیه اعدام بعنوان قتل عمد دولتی. این هم اکنون در جامعه تا

حد زیادی پذیرفته شده است. در حالیکه وقتی حزب برای اول بار این شعار لغو اعدام را مطرح کرد حتی در میان نیروهای چپ و اپوزیسیونی که خودش را مترقی و دمکرات می دانستند، با اعدام مخالفتی نبود یا آنرا امر جانبی میدانستند، امر مهمی نمی دانستند. الان خوشبختانه دیگر اینطور نیست. یا مبارزه علیه آپارتاید جنسی که اصلا این اصطلاح را حزب به درون جامعه برد. آپارتاید جنسی به معنای جدایی جنسی بین زن و مرد و تبعیض فاحش در حقوق زن و مبارزه علیه حجاب بعنوان پرچم این آپارتاید جنسی. در این عرصه هم باز حزب پیشکسوت و پیشرو آن بود و الان می بینیم که یک امر وسیع در جامعه است. نمونه های دیگری هم هست مثل دفاع از حقوق پناهندگان که "فدراسیون پناهندگان ایرانی" که حزب پایه گذارش بوده و سیاست و خط اش را تعیین کرد الان یک نهاد معتبر و شناخته شده جهانی در دفاع از حقوق پناهندگان است و غیره و غیره. مثال دیگر مقابله با قوانین شریعت اسلام است در کانادا، در سوئد، در انگلیس و سایر نقاط اروپا که این هم یک امر مهم و فعالیت موثری است علیه اسلامی سیاسی که حزب پرچم آنرا بدست دارد.

در همه این عرصه هایی که ذکر شد شما میتوانید تاثیر حزب را ببینید. اگر بخواهم خلاصه و جمع بندی کنم، بنظر بدون حزب ما فضای سیاسی جامعه ایران، ابعاد انتظارات مردم ایران، سطح مبارزات کارگری و مبارزات برحق اجتماعی در ایران در سطح امروز نبود. بسیار ضعیف تر و عقب تر بود. به این معنی حزب از نظر اجتماعی توانسته یک فضای چپ، رادیکال و انسانی را در جامعه بوجود بیاورد که البته حتما باید گامهای بسیاری به جلو در این جهات برداشت ولی اگر شما در این تاریخ بیست ساله

بازبینی کنید متوجه میشوید که در هر یک از این عرصه ها حزب تاثیر مهم و تعیین کننده ای داشته است. محمد کاظمی، از این تاریخ بیست ساله صحبت کردید، فکر میکنید وقتی الان را با بیست و یک سال پیش که حزب تشکیل شد مقایسه کنید، اکنون حزب کجا ایستاده است؟ موقعیت حزب از نظر سیاسی و اجتماعی چه هست؟

حمید تقوایی: امروز تا آنجا که به جنبش چپ علی العموم در جامعه مربوط میشود، حزب کمونیست کارگری بستر اصلی چپ است. زمانی بود که وقتی از چپ و کمونیستها در جامعه صحبت میکردند، یک دوره مثلا جنبش چریکی مطرح بود یا حزب توده مطرح بود. در دوره های مختلفی در تاریخ ایران نیروهای مختلفی مطرح بودند. امروز تا حد زیادی حزب کمونیست کارگری این نقش و جایگاه را دارد. حزب ما آن خواسته ها و سیاستها و آن پرچمی را نمایندگی میکند که خواست ها و سیاست و پرچم طبقه کارگر و حرف دل اکثریت عظیم مردمی است که از این وضع به ستوه آمده اند و میخواهند وضع را تغییر دهند. بنظر من بطور عینی و واقعی اینطور هست. از جانب دیگری، که اینرا هم باید جزو تاثیرات و دستاوردهای حزب گذاشت، نقشی است که همین کانال جدید در جامعه دارد. ما بخصوص با برنامه های زنده ای که در این تلویزیون داریم امکان دسترسی وسیعی به حزب را در جامعه تامین کرده ایم و به این معنی چپ و سوسیالیسم و کمونیسم از زبان این حزب بیان میشود. نقد رادیکال جامعه موجود، کیفرخواست مردم علیه جمهوری اسلامی و علیه وضعیت فاجعه باری که این حکومت در جامعه ایجاد کرده است، از زبان

این حزب به خانه های مردم میرود. همین کانال جدید به حزب جایگاه و نقشی میدهد که هیچ چپی در تاریخ معاصر ایران آن جایگاه را نداشته است. موقعیت امروز حزب موقعیت یک نیروی سیاسی هست که اولاً برای سطح وسیعی اگر نگوییم برای توده میلیونی مردم ولی برای فعالین و دست اندرکاران جنبش های اعتراضی شناخته شده است، بخش زیادی رجوع میکنند به تلویزیون حزب، به ادبیات حزب، به سایت های حزب، و رهنمود و خط و سیاست شان را از این حزب میگیرند. یک قشر اجتماعی وسیعی نه فقط در قالب کادر و عضو بلکه دور حزب وجود دارد که قلبش با حزب است، به هر طریق که میتواند حزب را حمایت میکند، سیاست هایش را دنبال میکند. و در خارج کشور هم کمپین ها و حرکات اعتراضی وسیع و بیسابقه ای را حزب سازمان داده که توجه افکار عمومی مردم در خارج کشور و نیروهای چپ و مترقی و اتحادیه های کارگری را جلب کرده است. مجموع اینها نشان میدهد که موقعیت حزب ما بنظر من یک موقعیت منحصر بفرد و تعیین کننده ای است و با اتکا به این موقعیت میتواند تاثیرات خیلی عمیقتر و وسیعتری جامعه داشته باشد.

محمد کاظمی: در طی دو سه سال گذشته تغییرات و تحولات بسیار عظیمی در دنیا رخ داد، "جنبش اشغال" در آمریکا و اروپا و همچنین انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا که نمونه خیلی بارز و امیدوار کننده اش در مصر اتفاق افتاد. این انقلابات و جنبش های یکسری سنت های جدیدی را بوجود آوردند و در مقابل آنچه که قبلا بود سنت شکنی کردند. بخصوص اینترنت

اسلام اردوغانی در چنبره انقلاب مصر!



مصطفی صابر

از صفحه ۱

بود، حتی نقطه ضعف آنها خواهد شد. چرا که از هم اکنون مهر ننگ، نفرت، تقلب و ریختن خون انقلابیون در خیابانها بر آن کوبیده شده است. خیلی واضح است که این قانونی برآمده از هیچ انقلابی و یا حتی توهم به انقلاب نیست. بلکه دست ساخته یک ضد انقلاب باسمة ای و مسخره است که با شعار اعاده نظم و ثبات تحت پرچم شکست خورده و رسوای اسلام میخواهد سر یک انقلاب بزرگ که تمام دنیا آنرا نگاه میکند و تا این لحظه الهام بخش دنیا بوده است را زیر آب کند. آنهم اساسا با این حربه که همه با آن آشنایند و در واقع از آن متنفرند. اینکه جنبش های اسلامی بلدند با پول و شبکه مساجد و غیره جمعیت های کرایه ای را سیاهی لشکر عربده کش ها حرفه ای و لمین ها و آخوند هایشان کنند. چیزی که در یک مقیاس جهانی و تاریخی دوره اش گذشته و حتی دیگر بی بی سی هم نمی تواند این جمعیت های کرایه ای و اوباش حرفه ای را به راحتی به جای مردم جا بزند. با این همه، همانطور که قبلا هم گفتیم اسلامیون در مصر به این سادگی کوتاه نخواهند آمد و به تلاش مرگ و زندگی برای ایفای نقش هرچه وسیعتر در سیاست و حکومت مصر دست خواهند زد.

ناگزیرند که این کار را بکنند. بیش از این خون خواهند پاشید و پلتیک های آخوندی خواهند زد. اما هرچه که بیشتر تلاش کنند بیشتر ماهیت مودی و ریاکار و خونخوار و عهد بوقی خود را به همه نشان خواهند داد و روبه افول خواهند رفت.

اما بازنده مهمتری از اخوان المسلمین و سلفی ها در تحولات دو سه هفته اخیر مصر وجود دارد که باید در مورد آن صحبت کنیم. و آن آمیدی بود که خیلی ها (از جمله آمریکا و غرب) به روی کار آوردن یک جریان اسلامی اردوغانی در مصر بسته بودند. اسلام کراواتی که با غرب نشست و برخاست میکند، از یک طرف با اسرائیل بگو مگو و بعضا پرخاش میکند از طرف دیگر پشت در اتحادیه اروپا التماس میکند که راهش بدهند و عضو ناتو هم هست. دست دیکتاتورهای نظامی را کوتاه میکنند و به همان دیکتاتوری بورژوازی ظهوری سیویل و حتی دمکراتیک می بخشند. واقعا چه رویای شیرینی! اگر "بهار عربی" (یعنی همان انقلاباتی که علیه کل وضع موجود بود) بتواند چنین ثمره شیرینی به بار بیاورد و مشکل حکومتی بورژوازی در خاورمیانه را حل کند، بهاری واقعا زیبا و امید بخش است!

اما این امید از همان ابتدا چنانکه ما بارها گفتیم واهی بود. چرا که فاکتور انقلاب و اوضاع انقلابی در مصر، منطقه و جهان را نادیده می گرفت. از اوضاع ترکیه و اسلام اردوغانی الگو برداری سطحی میکرد. (این همانی که حتی در خود ترکیه نیز اسلام اردوغانی دولت مستعجل است. چرا که با اولین رکود و بحران اقتصادی، با

رشد و گسترش اعتراضات توده ای و پیدا شدن سر و کله انقلاب در ترکیه وضع بسرعت به زیان این نوع اسلام خوش خیم پروغری تغییر خواهد کرد.) در هر حال، اوضاع ترکیه هرچه هست روشن است که اسلام اردوغانی در مواجهه با یک انقلاب عظیم، در مقابله با آن التحریر برهیت و پایان ناپذیر، و در یک دوره از انقلابات که منطقه و جهان را تغییر داده اند شکل نگرفت. شرایطی که مرسی و اخوان المسلمین در آن قرار دارند را نمی توان با اوضاع ترکیه و شکل گیری اسلام اردوغانی مقایسه کرد، ولی میتوان آنرا با شرایطی که خمینی و جنبش اسلامی در ایران ۵۷ با آن مواجه بودند مقایسه کرد.

اسلام و جنبش اسلامی در دوره انقلابی نمی تواند مثل اردوغان باشد چنانکه دیدیم خمینی هم ابتدا بازرگان و بنی صدر را جلو انداخت و سعی کرد اسلام اردوغانی را پیاده کند و نشد. آنگاه اعلام کرد که "انقلابی عمل نکرده ایم" و چوبه های دار پیا کرد و سفارت گرفت و به "مانده الهی" جنگ آویزان شد و ۳۰ خرداد و تابستان ۶۷ راه انداخت و کشت و کشت تا بالاخره توانست انقلاب را از پا درآورد. خمینی در واقع سلاح اسلام سیاسی را حدادی کرد که به مدت ۳۰ سال نه فقط به ایران که به جهان خون و جهالت و کثافت پاشید. اما بخاطر فاکتورهای متفاوت و بویژه به لطف انقلاب ۸۸ ایران و نبرد جانانه زنان و مردان جوان در تهران و سایر شهرها با اوباش حکومت الله و "تیوت شدن" و "یوتیوب شدن" آن تلاش قهرمانانه به تمام دنیا اسلام سیاسی در سطح جهانی رسوا شد و شکست خورد. وقتی از همان ابتدا سران اخوان المسلمین مصر و تونس

و غیره از خمینی و اسلام سیاسی اش برانت میجستند در واقع داشتند سردرگمی و لاعلاجی خود در برابر اوضاع انقلابی را بیان میکردند و وضع زار امروزشان را پیشاپیش خبر میدادند.

الان هم برای اسلامی ها و اخوانی ها در مصر چاره ای نیست جز آنکه ضمن گرفتن ژست اسلام نوع اردوغانی دستکم گه گاه سری هم در توبره اسلام نوع خمینی بچرخانند. یعنی باید دستجات مسلح و قمه کش راه بیندازند و اینجاست که باید ارتش و قوای مسلح سازمان یافته پشتشان باشد و با لباس شخصی های دوره مبارک قرار داد بیندند (چنانکه ساواکی های زمان شاه "کمیتة ای" میشدند). این کاری بود که در همین تظاهرات های هفته های اخیر بخصوص از سوی سلفی های طرفدار مرسی امتحان شد. اما برای صدمین بار معلوم شد دوره این الگوی ضد انقلاب گذشته است. آنهم در مصر که شتر سواران مبارک را با آن افتضاح شکست داده بودند. در همین تظاهرات های اخیر اوباش اسلامی و لباس شخصی های اجیر شده شان در نبردهای خیابانی گوشمالی های سختی شدند. ارتش هم (که قدرت واقعی در مصر

است) متوجه شد که اگر بخواهد با طناب اسلامیون توی چاه برود حتی از دوره مبارک نیز اوضاعش رسواتر خواهد شد و در نتیجه به موضع سنتی "بی طرفی" برگشت. در یک کلام، مرسی، اردوغانی است که با یک انقلاب روبرو است و نه یک دوره به اصطلاح "مسالمت آمیز" مبارزه طبقاتی و تغییر و تحولات از بالا. مرسی در عین حال خمینی است بدون تکیه بر یک جنبش روبه اعتلا و فاقد ابزار های لازم برای سرکوب انقلاب. نه این است و نه آن. کاریکاتوری از هردو است. برای خودش مرسی است!

انقلاب در مصر ناگزیر است که جریان اسلامی را از جلوی راه خود بر دارد. این ضرورت در هفته های اخیر بروشنی به روند اصلی تحولات سیاسی مصر تبدیل شده و باید ادامه یابد. اما انقلاب برای پیروزی در این کار ناگزیر است که دست به ریشه ببرد و کل نظم موجود را برچیند و در قدم اول باید ارتش و ساختار دست نخورده دولت بورژوازی را در هم شکنند و آنرا با حاکمیت بلافضل و مستقیم خود مردم جایگزین کنند.*

(۱۲ دسامبر ۲۰۱۲)

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden**

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

انقلابی زنده است زنده باد مردم مصر

یاشار سهندی

"من چند لحظه پیش پشت آن دیوار بودم (دیوار بتونی دور کاخ ریاست جمهوری مصر در قاهره) دست فروشان زیادی بودند که چای میفروختند، سیگار میفروختند. مردم هم دور ایشان جمع بودند کسی چیزی نمی گفت. آرام بودند ... با همه پرسى (قانون اساسی نوشته اسلاميون) در روز شنبه تکلیف همه مشخص خواهد شد." (گزارشگر بی بی سی فارسی، حبیب عماراز قاهره در سه شنبه شب - نقل از حافظه). "چون ارتش مصر زنده است اخوان المسلمین کاری نمی توانند از پیش ببرند" (عباس میلانی - نقل به معنی)

در دو هفته گذشته جهان شاهد بود که چگونه مردم مصر آتش انقلاب را برافروخته نگاه داشتند و شاهد هستند که چگونه دول بورژوازی با هراس و دلهره، در سکوت ظاهری شاهد ماجرا هستند. میدان تحریر دوباره "میدان حریه" شد و مردم یکصدا فریاد برکشیدند "ارحل مرسی". مرسی اما یک شخص نیست، یک تفکر نیست، یک جریان سیاسی ضد بشری است. مرسی نماینده جریان اسلام سیاسی است که در سه دهه حکومت خود در ایران، نشان داده که چه ظرفیت عظیمی از دشمنی با انسانیت برخوردار است. این جریان در افغانستان، پاکستان، سودان، عربستان و کلیه کشورهای اسلام زده دشمنی کینه توزانه خود را با فرهنگ و تمدن انسانی به عیان به نمایش گذاشته است. مبارزه مردم در مصر اهمیت خود را از اینجاست میگیرد. دستوری که مرسی صادر کرد و خود را رسماً دیکتاتور خواند بهانه شد تا مردم مصر نشان دهند که انقلاب به پایان نرسیده است، مردم هنوز شکست نخورده اند و خیابان جایی است که توده مردم

ما مردم ایران به اندازه کافی هوشیار بودیم و هستیم که سی و سه سال است مقاومت و مبارزه میکنیم و اگر حکومت اسلامی پابرجا مانده است بر اثر سرکوب بی نهایت خشن و بی رحمانه بخش اسلامی سرمایه است. در سال ۸۸ اما به همه مردم جهان نشان دادیم که حکومت اسلامی یعنی چه و راه مبارزه را نشان دادیم. انقلاب ۵۷ ما مردم "انقلاب اسلامی" خوانده میشود تا هر چه پیش آمده نتیجه



ندانم کاری خود ما قلمداد شود و انقلاب ۸۸ ما مردم ایران هیچگاه از سوی ایشان به رسمیت شناخته نشد. هر نامی دیگری بر آن نهادند الا انقلاب، چون انقلاب یعنی توده مردم در خیابان و این به مذاق ایشان خوش نمی آید چون گویا سیاست عرصه بازی بزرگان است در پشت درهای بسته.

"چون ارتش زنده است اخوان المسلمین کاری از پیش نمی برد"، این یک جمله ساده خبری نیست؛ تمام هنر این مفسران است که قدرت مردم را جلو چشم خود مردم هیچ بشمارند. مردمی رئیس جمهوری را از کاخ فراری میدهند، رئیس جمهور برای رفع علاج دیوار ضخیم بتونی دور کاخ بر پا میکنند اما همان مردم دیوار را میشکافند و خبرنگار با وجدان (!) میگوید اینها نوجوانانی هستند که با دیوار

وظیفه ای که در سال ۵۷ داشتند را تکرار میکنند. مرسی و اخوان المسلمین را حکومت مطلوب جلوه میدهند چرا که به گفته ایشان اخوان المسلمین نیرومندترین جریان سیاسی است و گویا اکثریت مردم مصر خواهان آنها هستند. (فقط معلوم نیست چرا نیمی از مردم مصر در انتخابات شرکت نکردند و

نیمی از رای دهندگان به اخوان المسلمین رای ندادند!) و بدین گونه بذر نومییدی و یاس را در دل مردم ایران میکارند.ایشانی که در سال ۵۷ عکس خمینی در ماه را نشان مردم میدادند و بعد هم عصای دست این حکومت شدند اکنون با کمال بی شرمی ما مردم ایران را غافل و گیج معرفی میکنند و آنچه بر ما مردم در این سه دهه گذشته است نشانه غفلت خود ما معرفی میکنند. همین امروز و فردا است که از تریبونهای غیر رسمی بیان شود که نگاه کنید "عرب پا برهنه" (این محترمانه ترین لفظی است که شاید بکار برند) حواسش هست اما مایی که ۲۵۰۰ سال پیش کوروش را داشتیم عقلمان را دادیم دست آخوندها! "زنده باد ناسیونالیسم که بدره همین وقتها میخورد!

میتوانند قدرت خود را به نمایش بگذارند. خیابانهای قاهره (ودیگر شهرهای مصر) در دو هفته گذشته مکانی شد برای نمایش این قدرت. وحشت از همین قدرت توده مردم است که بورژوازی را در بهت فرو برده است. مفسران (فارسی زبان) بورژوازی در این دو هفته از

هوشیاری مردم مصر گفتند و آنرا تحسین کردند (درمقایسه با مردم ایران در سال ۱۵۷!) ایشان گفتند و نوشتند که مرسی و اخوان المسلمین میخواهد جای پای خمینی بگذارد اما هوشیاری مردم مصر مانعی شده است. این مفسران صادق بورژوازی خودشان را به نفهمی میزنند و اصلاً به روی مبارک خویش نمی آورند که تا همین دو هفته پیش (قبل از شعله کشیدن مجدد انقلاب در مصر) از هوشیاری بالای مرسی میگفتند که چگونه خامنه ای را خوار و خفیف کرد و یا با هوشیاری تمام آتش بس میان دو جبهه تروریستی درغزه را برقرار ساخت و او را برنده جنگ هشت روزه معرفی کردند و از اینکه چگونه محبوب قلب سیاست خارجی دولت امریکا شده به او آفرین میفرستند. ایشان دارند همان

ور میروند (گویا از سر شیطنت نوجوانی است) و عاقله مردمان دور بساط چای دستفروشان گرد آمده اند و پرچانگی میکنند. مرسی قادر نیست خمینی باشد چون نمی تواند، چون سه دهه است که جنبش اسلامی ماهیت فاشیستی خود را به نمایش گذاشته است و هوشیاری مردم مصر را باید در آن پوستری دید که از مرسی ساخته اند. مرسی با لباس نظامی که مبارک بر تن میکرد، با شمایل اسکلت سر انسان، با بازویند صلیب شکسته هیتلر ویا عمامه خمینی. این پوستر به تنهایی گویای عمق مبارزه مردم مصر است. این درسی است که این مردم از ما مردم ایران گرفتند و عمق ماهیت کشیف جریانات اسلامی را شناختند و همین نکته است که مفسران دانشگاه درس خوانده بورژوازی وادار به هذیان گفتن میکنند.

با وقایع دو هفته گذشته در مصر، مردم نه تنها در مصر بلکه در کل منطقه توان مضاعفی یافتند و جریان جنایتکار اسلامی ضربه بزرگی خورد. این وقایع بی شک اثر خود را بر کشورهای خواهد گذاشت که دیکتاتور را سرنگون کردند و جنبش های اسلامی بار دیگر به کمک دول غرب در راس امور قرار گرفتند اما وقایع دو هفته اخیر مصر نشان داد که دیگر این جریان به یک مهره سوخته تبدیل شده. وقایع دو هفته گذشته اثر خود را بر سوره خواهد گذاشت و باید امیدوار بود که جریانات اسلامی به حاشیه رانده میشوند. مهمترین قسمت وقایع اخیر مصر اما این است که شدیداً این اتفاقات مردم را در ایران خوشحال ساخته، ("دمشان گرم بزند تو دهن این کشتافتها") ساده ترین جملاتی که میتواند بیان نظر و احساس توده مردم باشد که این روزها کم شنیده نمی شود) و حکومت اسلامی را پریشان تر، و به همین نسبت کل بورژوازی را نگران ساخته و انعکاس این نگرانی را میتوان در رسانه های بورژوازی و مفسران این طبقه ستمگر دید.*

در دفاع از مبارزات مردم مصر علیه حکومت مرسى و اخوان المسلمین

آزادی و برابری و دموکراسی مبارزه میکنند، حمایت کنند. از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این میتینگ حضور بهم رسانند سعی میکنیم که مطبوعات را نیز به آنجا بیاوریم چرا که ما خیلی حرفها برای گفتن داریم علیه بی عدالتی ها نباید سکوت کرد . بسیار خوشحال میشویم با ما در این میتینگ باشید .
فردا جمعه ۱۴ ماه دسامبر ساعت سه بعد از ظهر اشتفان پلاتز

Wann: Freitag
14.12.2012
um 15:00

Stephansplatz 1010
Wien



کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته علیه سنگسار از همه ایرانیان ساکن وین دعوت میکند که در این میتینگ با فعالین مصری همراه شده و از تجارب خود در ایران و همچنین از مبارزات درخشان زنان و مردم ایران علیه این حکومت فاشیست اسلامی حرف بزنند. تلفنهای تماس با برگزار کنندگان :

Handy: 06767505160

menas14.04@gmail.com

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ دسامبر ۲۰۱۲

در خیابانها جنایت آفریدند، افرادی را دستگیر کرده و شکنجه کرده و حتی به قتل رساندند. دیگر بس است! ما دیگر نمیتوانیم ساکت نشسته و شاهد این باشیم که خواهران و برادران ما از طرف حکومت زیر فشار گذاشته شده و علیه آنها ایجاد وحشت کنند.

ما تظاهرات میکنیم علیه قانون اساسی مرسى و خواهان بایکوت انتخابات هستیم. الان وقت اینست که در وین مصریهای ساکن این شهر برای آینده کشورشان به خیابان آمده و مردم مصر را که در شرایط سختی برای

میکنید که در اطریش فعالین مصری برای دفاع از مبارزات مردم مصر منتشر کرده و برای ما نیز ارسال کرده اند:

ما تعدادی از مصریهای ساکن اطریش هستیم که شرایط فعلی در مصر ما را وادار کرده است که يك فراهوان بدهیم. اتفاقات امروز در مصر نه فقط برای مردم مصر نگران کننده است بلکه باعث نگرانی مردم دنیا شده است. بجای پیشروی کشور به سوی يك حکومت دیکتاتوری پیش میرود. چند روز قبل نیروهای نظامی اخوان المسلمین به خیابانها ریخته علیه مردم بیگناه

میتینگهای اعتراضی در مصر فعالین اخیرا پلاکاردهایی در دست دارند با این مضمون که "ما خمینی دیگری را نمیخواهیم" عکسهای خمینی که روی آن ضربدر قرمز زده شده است در دست زنانی است که از تجربه سى و سه سال حکومت خونین و وحشتناک اسلامی در ایران، حرف میزنند و اکنون با تمام قوا علیه حکومت مرسى و اخوان المسلمین و نهادهای اسلامی مبارزه میکنند. بویژه ما مردم و زنان در ایران موظفیم با تمام قوا از مبارزات مردم مصر دفاع کنیم. در اینجا ترجمه فارسی فراخوانی را ملاحظه

يك گروه از فعالین سیاسی در کشور اطریش فراهوان به يك میتینگ در روز جمعه در مرکز شهر وین داده اند. طی يك گفتگوی تلفنی با برگزار کنندگان این میتینگ مینا احدی از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام از این میتینگ دفاع کرد و قرار شد در روزهای آینده در مورد امکان انجام يك حرکت بین المللی و دادن فراخوانی از طرف نهادهای ایرانی و مصری برای دفاع از انقلاب و مبارزات مردم مصر در سراسر جهان، با سازمانهای مصری در کشورهای اروپایی گفتگو و تبادل نظر شود. در



خامنه ای واخترافات دولت و مجلس! از اصلاح قانون انتخابات تا ممنوعیت استیضاح و...!



محمد شکوهی

در هفته های اخیر دعوای مجلس و دولت حول موضوعات اصلاح قانون انتخابات، اختیارات دولت، یا بهتر بگویم احمدی نژاد در "یکه تازی دولت" در برابر لاریجانی ها طرحهای ادغام وزارتخانه ها، بحران هسته ای حکومت و تحریمها بالا گرفته است. باند احمدی نژاد با استناد به حدود و اختیارات دولت، وبا نزدیک شدن مضحکه انتخابات حکومتی، مدام در حال تعویض وزرا و مقامات دولتی می باشد تا تعدادی از چهره های دولتی و کاندیداهای احتمالی اش را برای ورود به انتخابات آتی ریاست جمهوری رژیم "آزاد" نماید. از جمله این جابجایی ها انتصاب مشایی به سمت رئیس دفتر جنبش عدم تعهدها، برکناری وزیر ارتباطات و تعیین جانشین برای او، بازگرداندن دوباره غلامحسین الهام به دولت به عنوان سخنگوی احمدی نژاد، جابجایی های گسترده در سطوح مختلف دولت میشود اشاره کرد. بویژه در مورد مشایی و الهام که کاندیداهای احتمالی دولتی ها هستند، جر و بحث باندهای حکومتی بالا گرفته است. بر طبق قوانین حکومتی جابجایی اگر لازم بود، دولت میتواند پیشنهاد بدهد و مجلس آن را بررسی می کند. این روال تائیدی بوده است. در ماجرای

انتصابهای اخیر احمدی نژاد این قاعده بازی رعایت نکرده و به همین خاطر مورد غضب مجلسی ها قرار گرفت و اینها فشار آوردند که این جابجایی با اهداف سیاسی و برای ورود به انتخابات می باشد. تلاش های لاریجانی ها و اصولگرایانش به جایی نرسید و احمدی نژاد کار خودش را کرد.

دولتی ها با اصلاح قانون انتخابات که جریان اصولگرایی مخالف دولت آن را به مجلس آورده بود، مخالفت کردند. همراه دولتیها دار و دسته های گرد آمده دور بر رفسنجانمی نیز نق زدنهایشان را شروع کردند. بعد از نزدیک به دو هفته جر و بحث، بالاخره اصلاحیه قانون انتخابات حکومتی با حذف ماده مربوط به "رجل سیاسی بودن و تائید کاندیدها"، در مجلس تصویب و برای اجرا به دولت اعلام گشت. دولتی ها و شخص احمدی نژاد رسماً اعلام کردند که دولت در انتخابات دخالت نخواهد کرد و وزارت کشور، شورای نگهبان و هیات انتخاباتی که خامنه ای منصوب کرده است، انتخابات را برگزار خواهند کرد. در مقابل این عقب نشینی دولتی ها، موضوع طرح ادغام وزارت خانه ها نیز از موضوعاتی بود که مجلس آن را "کارشناسی" ندانسته بود و با این امر مخالف بود. در این ماجراها هم خامنه ای دخالت کرد و با استناد به قوانین حکومتی موضوع ادغام وزارتخانه ها و تعیین جانشین برای وزرای دولت را هفته گذشته ممنوع کرد. مجلس تصویب کرد: "از تاریخ تصویب این قانون هر گونه ادغام و انحلال وزارتخانه های موجود و هر گونه ادغامی در راستای جابجایی، انتزاع و انحلال موسسات و واحدهای زیرمجموعه

وزارتخانه ها که به موجب قانون تاسیس گردیده اند متوقف می گردد. هرگونه ادغام، انحلال و تاسیس وزارتخانه ها و نیز انحلال، انتزاع و ادغام و تاسیس سازمانها و واحدهای مذکور ممنوع است. تبصره ۲ این قانون سربستی وزارتخانه فاقد وزیر توسط وزیر دیگر ممنوع است. این حکم در مورد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز مجری است!"

تا همینجا دو عقب نشینی به دولتی ها توسط مجلس تحمیل شد. در حول و حوش همین جنگ و دعوای مجلس و دولت، خامنه ای دو هفته پیش در سخنرانی اش اعلام کرد "که بهتر است مجلس از استیضاح وزرای دولت تا پایان دولت دهم صرف نظر نماید". این دستور خامنه ای خطاب به مجلسی ها برای پا در میانی در اختلافاتشان با دولت و در حمایت از دولت بود. اینجا خامنه ای که اوضاع داخلی حکومتش را خراب دیده برای حل دعوا وارد گود شد و حکم حکومتی صادر کرد. بدنبال این حکم خامنه ای دولتی ها هم رضایت داده و مجلسی ها مشغول امورات دیگرشان شدند. نق زدنهای برخی از نمایندگان دولت و مجلس با این فرمان خامنه ای تمام نشد و ادامه داشت. با آتش سوزی در مدرسه شین آباد پیرانشهر، موضوع استیضاح حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش از طرف اصولگرایان و لاریجانی ها در مجلس دوباره طرح شد. دار و دسته های دولتی و قعی به این تهدید مجلسی ها نهادند. دولتی ها در واکنش به موضوع استیضاح وزیر آموزش و پرورش، سخنان خامنه ای را در مورد استیضاح به مجلسی ها یادآور

شدند. تلاش های نمایندگان برای جمع آوری امضا برای استیضاح وزیر آموزش و پرورش ادامه داشت تا اینکه باهنر نایب رئیس مجلس در پاسخ به این موضوع گفت: "شرایط برای استیضاح وزیر آموزش و پرورش مهیا نیست!" تا همین جا ظاهراً خامنه ای موفق شده است فعلاً بالانس لازم را بین دولت و مجلس نگه دارد تا اوضاع حکومتش از این هم شیر تو شیر تر نشود.

اما در کنار دو موضوعی که به آنها اشاره شد، بحث تحریمها و مذاکرات هسته ای نیز در این هفته، بحث باندها و دار و دسته های حکومتی بود. حول این دو موضوع اختلافات باندهای حکومتی شدت بیشتری گرفته است. در حالیکه دولتی ها خواهان ادامه مذاکرات با غرب و بخشا دادن امتیازاتی در قبال پذیرش غنی سازی توسط رژیم هستند، بیت رهبری و شخص خامنه ای مدام بر موضع عدم کنار آمدن با غرب تا رسیدن به خواستهای رژیم را کماکان مطرح می کند. بیت رهبری به رسمیت شناختن بی قید و شرط تلاش های هسته ای رژیم از طرف غرب را پیش شرط هرگونه "مذاکره سازنده" با غرب و آژانس اعلام کرده است. در مقابل دولتی ها و بخش های گردآمده حکومت دور بر رفسنجانمی و حسن روحانی، تلویحاً پیش شرط برداشتن تحریمها را آغاز مذاکرات اتمی حکومت با غرب اعلام کرده و نهایت سعی و تلاششان را در این مورد به کار گرفته اند. در مورد بحران هسته ای رژیم حرف اول و آخر را خامنه ای میزند و نظر باندهای دیگر زیاد مطرح نیست. به عبارتی این خامنه ای است که فقط در این مورد میتواند تصمیم بگیرد. در

مورد بحث مذاکره با آمریکا نیز خامنه ای تصمیم میگیرد. تلاش های دولتی ها و جریانات "معتدل" حکومتی و خارج حکومت برای پیدا کردن راه حلی برای برون رفت از بحران هسته ای تا به حال به جایی نرسیده است. درهمین حال خامنه ای در مذمت این دار و دسته ها گفته است که پیشرفتهای تائیدی در ۱۰ سال گذشته در مورد غنی سازی حاصل مقاومت بوده نه مذاکره! در همین رابطه کیهان نوشت: "به نظر میرسد انقلابیون فرسوده در این برهه حساس قصد دارند تا با مهندسی هدفمند اوضاع کشور و اعمال فشار همه جانبه به رهبر معظم انقلاب، به خیال خود ایشان را به نوشیدن جام زهر عقب نشینی، دست کشیدن از مواضع انقلابی و مذاکره با آمریکا وادار سازند. آنها می خواهند با ارائه تحلیل های غلط و مرتبط کردن تمامی مشکلات به تحریم هاز خارجی، فضای جامعه را ملتتهب و ناامن کرده و احساسات عمومی را تحریک نمایند تا رهبر معظم ناچار گردد برای حفظ منافع کشور و مصالح انقلاب به خواسته های آنان تن دهد!"

آنچه مسلم هست فشار تحریمها، اوضاع درهم ریخته و شکننده داخلی حکومت، در کنار ترس و وحشت حکومت از به میدان آمدن دوباره مردم برعلیه رژیم، "نگرانی های انتخاباتی حکومت"، ترس از تکرار وقایع سال ۸۸، اوضاع و چشم انداز کل حکومت برای فائق آمدن بر بحرانش را تیره و تار کرده است. در یک چنین وضعیتی هر موضوعی میتواند بحران حکومتی جمهوری اسلامی را حادثر کرده و به سراسیمگی بیندازد.*

ادامه بحران سیاسی در ایتالیا!



شهاب بهرامی

با اعلام کاندیداتوری "سیلیویو برلوسکونی" برای شرکت در انتخابات آتی نخست وزیری، نه تنها بازار بورس این کشور سقوط کرد بلکه نرخ بهره بانکی در بیشتر کشورهای جنوب اروپا، رشدی غیرمترقبه و تصاعدی را تجربه نمود. شیوع و ابتلای ویروس سیاسی ایتالیا به حوزه اقتصادی

کشورهای بحرانه زده جنوبی، تنها نشانه ای از ادامه وخامت اوضاع اقتصادی و به تبع آن وضعیت سیاسی کشورهای حوزه یورو است. وضعیت آشفته سیاسی در این کشور نه تنها موجب تشدید نگرانی مردم در مورد آینده و وضعیت شغلی و معیشتشان شده بلکه بازارهای مالی ایتالیا هم به استغفای احتمالی "ماريو مونتى" نخست وزیر کشور واکنش منفی نشان داد که این به نوبه خود به افزایش هزینه های استقرای کشور انجامید.

برلوسکونی میلیاردرد مشهور و نخست وزیر سابق ایتالیا متعاقب از دست دادن اکثریت پارلمانی حزب متبوعش "مردم آزادی" سال گذشته ناچار به کناره گیری شد و

"ماريو مونتى" از طرف رئیس جمهور به سمت نخست وزیری منصوب گشت. هفته گذشته بدنبال عدم حمایت حزب سیلیویو برلوسکونی از دولت، ماریو مونتى اعلام کرد که به محض تصویب بسته ریاضت اقتصادی در پارلمان آن کشور، همچنین تصویب بودجه سال آینده و قانون ثبات مالی، وی از سمت نخست وزیری کناره گیری خواهد کرد.

کارشناسان اقتصادی به تاثیرات احتمالی استغفای ماریو مونتى بر کل اروپا و منطقه یورو پرداخته و بر این باورند که این امر هم به اقتصاد کشورهای اروپائی آسیب می زند و هم موجب بروز بی ثباتی می شود. تاثیر نوسانات اقتصادی و سیاسی ایتالیا به

عنوان سومین اقتصاد بزرگ حوزه پولی یورو بر اتحادیه اروپا تاثیر مستقیم و غیر قابل اغماص است. مؤسسات اعتبار سنجی عقیده دارند که در پارلمان آینده ایتالیا هیچ حزبی اکثریت مطلقى را کسب نخواهد کرد و نتیجتاً به اجرا گذاشتن و عملی کردن سیاستهای ریاضت اقتصادی که مونتى طراحی کرده بود در پرده ابهام قرار خواهد گرفت.

کشور ایتالیا در يك سال گذشته فقط جولانگاه آکروبیاتهای عالم سیاست و مدیای وابسته به میلیاردرهایی چون برلوسکونی و سناتورها و لاشخوران حکومت بورژوازی نبود، شاهد دست بسته و مفلوج معاملات تریویکا و قهرمانان ایتالیائی نجات یورو نبود. ایتالیا همزمان جبهه وسیع میلیونها انسان کارگر و زحمتکشی بود که با تظاهرات

های میلیونی، اعتصابات وسیع منطقه ای و عمومی و اعتراضات رادیکال خود در مقابل تعرض و گستاخی های وقیح دولت بورژوا و عجین شده در مافیا، نشان دادند که در مقابل این دزدان کوتاه نخواهند آمد. بحران سیاسی موجود طبقه بورژوا برای یافتن رهبری که مورد اعتماد تمامی جناحهای طبقه حاکم باشد در متن و ناشی از ادامه مبارزه مردم و کارگران در کارخانه و خیابان است که باید تعریف و تحلیل شود. کارگران دیربازی است که با قدرت پا به میدان مبارزه گذاشته اند ولی بدلیل عدم جسارت انقلابی هنوز نتوانسته اند این قدرت عظیم مادی را به سوی قهر سیاسی هدف بگیرند و از هیچ بودن به هم چیز شدن رسیده و خود و به همراه خود کل جامعه را آزاد سازند.*

بیست و یک سال حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۲

۳۰ سال پیش بود رخ داد و با انقلابات قرن بیستمی که در خاطره مردم بود تکرار شدند. بهیچ وجه اینطور نشد. انقلاب های که صورت گرفت به يك معنای پایه ای کلمه انقلاب بود و مثل هر انقلاب دیگری در گذشته حرکت توده های محروم مردم بود برای رهایی و آزادی، ولی به يك معنی مشخص کاملاً جدید بود. جدید بخاطر نقش تکنولوژی امروز، بخاطر به اصطلاح جهانی شدن مسائل مردم بسرعت و توسط خود مردم و اینترنت و کلا بخاطر اعتراض عمیقی که معلوم شد در همه جای دنیا بر علیه وضعیت موجود هست؛ بر علیه سرمایه داری کاملاً بحران زده ای که تنها دستاوردش برای مردم همه جای دنیا ریاضت کشی اقتصادی و سفت تر کردن کمربندها و فقر و محرومیت و بیکاری بیشتر است. این وضعیت شرایط کاملاً جدیدی در دنیا بوجود آورده است. تا جائیکه به حزب ما مربوط

آدم ها را در يك حد وسیعی بهم متصل کرد. فکر میکنید با توجه به این نکات چالش هایی که در مقابل حزب کمونیست کارگری هست چیست؟ و روبه آینده چه باید کرد؟

حمید تقوایی: نکته ای که اشاره کردید مهمترین فاکتوری هست که باید وقتی که رو به آینده صحبت می کنیم در نظر بگیریم. یعنی همین تغییراتی که کلا در وضعیت سیاسی دنیا بوجود آمده است. میشود گفت تغییراتی که بویژه از سال ۲۰۰۸ شروع شد. بعد از سقوط وال استریت و عروج بحران سرمایه داری و بدنبال آن جنبش ها و اعتراضات وسیع و بالاخره انقلابات منطقه، که البته باید انقلاب ۸۸ ایران را بعنوان پیشکسوت این حرکتها اینجا اشاره کرد. مجموعه این تحولات فقط اینطور نبود که انقلاب بهمان صورتی که ۲۰ سال پیش یا

میشود مساله این است که حزب باید آماده باشد تا همراه با این شرایط تغییر کند. منظور از نظر خط و جهت و سیاست ها نیست بلکه از این نظر که مکانیسم ها و دینامیسم حرکت جدید را بشناسد؛ تکنولوژی جدید را در فعالیت خود جا بدهد، از آن سنت ها و عادات هایی که ما را عقب میکشد و از آن شبیه سازی های غیر واقعی اجتناب کند که مثلاً فکر کند هنوز قرار است همان انقلاب ۵۷ در ایران تکرار شود، یا مثلاً انقلاب امروز مصر مثل انقلاب ۵۰ سال پیش علیه فاروق در خود مصر بود. اگر حزبی در چنبره و چهارچوبه این عاداتها و سنت ها باشد راه به جایی نمی برد. بنظر مهمترین چالش در برابر حزب ما این هست که خودش را با این دنیای جدید منطبق کند. شرایط جدید را بشناسد و بحساب بیاورد. هیچ نوع کلیشه ای، هیچ نوع فرمولی، هیچ نوع نسخه از پیشی امروز جواب نمی دهد. انقلابات امروز مال امروزند و کمونیسم کارگری کمونیسم امروز

است و باید پاسخگو به انقلاب امروز باشد. این کار را نمی توانید بکنید تا وقتی که شما همین خصلت توده ای انقلابات، نقش تکنولوژی جدید در این انقلابات و در سازماندهی آنها، رابطه ای که شما باید برقرار کنید بین جنبش اشغال و انقلابات در منطقه، خصلت و مضمون عمیق و ضد سرمایه داری این انقلابات و نقش تعیین کننده رهبری سیاسی چپ در این انقلابات را نبینید. اگر اینها را نبینید بنظر من نمی توانید به مسائل امروز جواب دهید. جواب ها از کتاب ها در نمی آید. از سنت ها و عاداتهای گذشته بیرون نمی آید. این مسائل کاملاً يك رویکرد جدید، استنباط و جهت گیری جدید و تبیین جدیدی از خود مقوله انقلاب و اوضاع دنیا میخواهد که حزب ما باید کاملاً از این نظر خودش را آماده کند و به استقبال این دنیا برود.

محمد کاظمی: حمید تقوایی يك دقیقه به پایان این برنامه بیشتر وقت نداریم. در این فرصت

پیامتان به اعضای حزب به دستاران حزب و بطور کلی به مردم ایران چه هست؟ حمید تقوایی: تا آنجا که به اعضا و دستاران حزب مربوط میشود فکر کنم پیامم را همین الان در پاسخ سوال قبلی شما دادم. اینکه خودمان را برای این دنیای جدید آماده کنیم. و متوجه باشیم که باید از نقطه نظر تکنیک ها از نظر نوع سازماندهی و از نظر نحوه فعالیت ها کاملاً شرایط دنیای جدید را به حساب بیاوریم و بر آن متکی شویم. اما برای جامعه و توده مردم برای آزادیخواهان و برای هرکسی که رفاه و برابری و آزادی میخواهد، فراخوان من ساده است: به حزب خودتان پیوندید. این حزبی است که پرچم آزادی، رفاه، منزلت انسانی، رفع تبعیض و لغو کار مزدی و استثمار را برافراشته است. هر انسان طرفدار آزادی و رفاه و برابری و خواستار جامعه انسانی باید به این حزب پیوندد. محمد کاظمی: با تشکر از شما

کنفرانس مطبوعاتی در ساختمان اتحادیه اروپا در استراسبورگ و چند ملاقات با نمایندگان پارلمان اروپا



روز سه شنبه ۱۱ ماه دسامبر پارلمان اروپا در چهارچوب اهداء جایزه ساخارف به نسرین ستوده و جعفر پناهی، یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور نمایندگان از احزاب چپ در پارلمان و مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام برگزار کرد. در این کنفرانس که ساعت دو و نیم بعد از ظهر در استراسبورگ آغاز شد، گابی تسیمر، رئیس ائتلاف چپا، سایینه سیلز، ماریسا مای و مینا احدی حضور داشتند.

حکومتی حرف میزنیم که قوانینش سراپا ضد انسانی و ناقض همه حقوق مردم است. حکومتی که در همین یکسال اخیر ۶۷۶ نفر و فقط در ماه نوامبر حداقل ۱۱۰ نفر را اعدام کرده است. حکومتی که زن ستیز است و قوانینش در ضدیت کامل با زنان بنیاد نهاده شده است. احدی گفت بگذارید در اینجا از زندانهای ایران بگویم. رهبران کارگری فعالین دانشجویی، فعالین مدافع حقوق زنان و جوانان بسیاری در زندان هستند و باید بگویم که در بدترین شرایط صدای خود را به بیرون از زندان میرسانند. آنها از آمدن من به پارلمان اروپا مطلع شده و پیام داده و خواستند که نهادهای بین المللی علیه حکومت اسلامی ایران با صدای بلندتر اعتراض کنند. من به اینجا آمده ام بگویم که ما مخالف حمله نظامی و جنگ و همچنین مخالف تحریم اقتصادی هستیم که زندگی مردم را نشانه میبرد، اما ما میخواهیم اتحادیه اروپا رسماً بگوید که حکومت اسلامی ایران را به رسمیت نمی شناسد. اینها قاتلین مردم ایران هستند. بگذارید در اینجا که در مورد اتحادیه اروپا صحبت میکنیم بگویم که از نظر من اتحادیه اروپا در مبارزه ما علیه جنایات حکومت اسلامی و علیه اعدام و سنگسار پاسخ مسئله نبوده بلکه خود بخشی از مساله بوده است. پارلمان اروپا حتی امروز بعد از سی و چند سال چشمها و گوشهای خود را بسته و در مقابل این همه جنایت حکومت اسلامی حرفی

در ابتدا گابی تسیمر در بخش بررسی نقض حقوق انسانی در ایران گفت که فردا چهارشنبه جایزه ساخارف به نمایندگان دو برنده یعنی نسرین ستوده و جعفر پناهی داده میشود ولی باید اعلام کرد که این اهدا کافی نیست و باید در مقابل نقض گسترده حقوق انسانی در ایران بیش از اینها کار کرد. او گفت در مورد اینکه اتحادیه اروپا چه میتواند بگوید و وضعیت حقوق بشر اکنون در ایران چگونه است از مینا احدی دعوت کرده ایم در این نشست حضور داشته و سخنرانی کند. مینا احدی کسی است که با کمپین های بزرگ علیه اعدام و سنگسار و بویژه در جریان کمپین جهانی علیه سنگسار سکینه محمدی آشتیانی امروز برای بسیاری از مردم دنیا چهره ای آشنا است. خوشحالیم که امروز او را در این کنفرانس داریم.

مینا احدی در ابتدا با معرفی فعالیتهای کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار گفت، ما در اینجا در مورد

نمیزند. این سیاست باید تغییر کند. ما میخواهیم حکومت اسلامی ایران را به انزوای دیپلماتیک کامل کشانده و سفارت خانه هایش را ببندید. در ادامه مینا احدی گفت که علیه سنگسار بعنوان یک نمونه وحشیگری کامل، نمایندگان پارلمان هلند یک قطعنامه پیشنهادی داده اند که ما میخواهیم پارلمان اروپا این قطعنامه را بپذیرد و از سازمان ملل بخواهد در نشست ماه مارس در نیویورک سنگسار را در همه جا ممنوع اعلام کند. بدنال سخترانی مینا احدی، سایر اعضای پانل در مورد موضوعات دیگری صحبت کردند و کنفرانس به پایان رسید. بدنال کنفرانس گابی تسیمرگفت که فردا در جلسه تقدیم کردن جایزه به نمایندگان دو

همچنین در پارلمان اروپا با جمع آوری امضا از نمایندگان و بردن این قطعنامه به نشست بعدی پارلمان اینترا در سطح همه کشورهای اروپایی تصویب کرده و به سازمان ملل ارائه دهند.

لینک ویدئویی کنفرانس مطبوعاتی و چند عکس از این برنامه را میتوانید در سایت اتحادیه اروپا نگاه کنید. لازم به توضیح است که در داخل ساختمان پارلمان اروپا در استراسبورگ عکسهای بزرگی از نسرین ستوده و جعفر پناهی نصب شده بود.

<http://ec.europa.eu/avservices/player/streaming.cfm?type=ebsvod&sid=217783>

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ دسامبر ۲۰۱۲

اساس سوسیالیسم انسان است!

سیران یگانه درگذشت هیجده دانش آموز دیگر با مرگ دست و پنجه نرم میکنند!



نهاد کودکان مقدمند
۲۰ آذر ماه ۱۳۹۱
۱۱ دسامبر ۲۰۱۲

اطلاعیه های بعدی جزئیات این
کمپین به اطلاع عموم مردم
مخصوصا خانواده های مصیبت
دیده خواهد رسید.

وقتی بخاری نفتی به بمب سیاسی تبدیل میشود

و اعداد نیز ابعاد هزاران نفره داشته است. اما امروز هر مساله کوچک و بزرگی به يك کمپین سیاسی و يك بمب اعتراضی علیه رژیم تبدیل میشود. مجبور میشوند مهره های بیشتری را از جلو چشم مردم کنار بگذارند به این خیال که خود را نجات دهند. اما هر عقب نشینی در شرایط انفجاری، زمینه را برای پیشروی بیشتر مردم علیه حکومت تبدیل میکند.

حادثه شدن دعوای درونی نظام و افشاگری های گسترش یافته علیه یکدیگر بخاطر مقطع "انتخابات" نیست اما با نزدیک شدن موعد انتخابات دعوای باز هم عمیق تر میشود. این اوضاع و این وقایع فراخوانی است به مردم، به طبقه کارگر، به زنان و جوانان که خود را برای هجوم گسترده علیه حکومت آماده کنند.*

از صفحه ۱

هست اما الان شرایط برای استیضاح مهیا نیست و استیضاح حاجی بابائی به صلاح نیست. یعنی اوضاع بهم ریخته تر و خطرناک تر از آن است که در مقابل کمپین سیاسی بزرگی که در سطح کشور علیه حکومت برافراشته است تسلیم شویم. این دو واقعه هم روحیه اعتراضی در جامعه، انتظارات و توقعات مردم، خودآگاهی بیشتر و درک درست آنها از شرایط کنونی را نشان میدهد و هم اوضاع بهم ریخته حکومت و شکاف های عمیق شونده درون نظام و عمق وحشت و درماندگی آنها.

آتش سوزی در مدارس در تمام طول حاکمیت رژیم وجود داشته و قتل در زندان ها و شکنجه

معلمان مدرسه هم بر اثر شدت سوختگی جان خود را از دست داد. در چهاردهم آذر ماه سال ۱۳۸۵ هشت دانش آموز کلاس دوم دبستان در دروزن استان فارس را طعمه آتش کرد. آتش گرفتن بخاری غیراستاندارد سبب سوختگی دانش آموزان قربانی آتش، از ۱۰ تا ۴۰ درصد شد.

در آبان سال ۸۹ وقوع آتش سوزی سیم های پوسیده برق در خوابگاه مدرسه شبانه روزی چاه رحمان در بخش نصرت آباد زاهدان، در استان سیستان و بلوچستان، مرگ يك دانش آموز و مصدوم و مسموم شدن ۱۴ نفر دیگر را به دنبال داشت.

خوابگاه دبیرستان پسرانه وابسته به دانشگاه علوم دریانوردی چابهار، بامداد روز چهارشنبه، چهارم آبان ماه آتش گرفت. این حادثه سبب مرگ دو دانش آموز در آتش و سوختگی ۳۵ تا ۸۰ درصدی سه دانش آموز دیگر شد که دو نفر آنان، جان خود را از دست دادند.

کشتار دانش آموزان در اردوهای به اصطلاح آموزشی نیز سند جرم دیگری بر جرایم بشمار دستگاه آموزش و پرورش است. مردم حق دارند که کودکانشان در محیط های امن و با رعایت کامل استانداردهای ایمنی، بهداشتی و رفاهی قرار داشته باشد.

نهاد کودکان مقدمند صمیمانه خود را در کنار خانواده سیران یگانه و همه مجروحین این فاجعه میدانند و آنچه در توان دارد برای پیگیری این ماجرا انجام خواهد داد. به همین منظور در جلسه اضطراری دفتر مرکزی کودکان مقدمند، کمپین دفاع از قربانیان دبستان شین آباد پیرانشهر اعلام میشود. در

در بیمارستان سینا در تبریز به ترتیبی خوب بوده است که به هنگام دیدار با او "حتی تعدادی از آنها بلند شدند و سرود خواندند." مردم بخوبی مقصر اصلی این فاجعه را می شناسند. این خنده استهزا آمیز و جواب های سریالای وزیر آموزش و پرورش را خوب می شناسند. میدانند که کل دستگاه حکومتی با بی مبالائی و بی توجهی آشکار مسبب این فاجعه در دناک هستند.

اعتراض مردم خشمگین به اشکال مختلف در حال شکل گیری است. اجتماع اعتراضی دانشجویان در مهاباد، طومار نویسی، انعکاس و انتشار مراسم تدفین سیران در وب سایتها و شبکه های اجتماعی از این نمونه است. تعدادی از خانواده هایی که کودکانشان در مدرسه ۱۷ شهریور شهر پیرانشهر هستند به وجود بخاری های نفتی در کلاس دانش آموزان اعتراض کرده اند.

مدارس فرسوده و تخریبی، گنجاندن دانش آموز بیش از چند برابر ظرفیت در هر کلاس، محرومیت از امکانات مدرن ایمنی و رفاهی و بهداشتی مسقیما به آموزش و پرورش مربوط است. در بیش از نیمی از مدارس ایران امکاناتی برای نصب تجهیزات سرمایشی و گرمایشی در مدارس ابدا وجود ندارد، این مدارس در معرض خطر آتش سوزی و تخریب قرار دارند.

اگر وزارت آموزش و پرورش مسئول حفظ جان دانش آموزان در مدرسه نیست پس چه کسی مسئول است؟

در سال ۱۳۸۳ حادثه مشابهی برای دانش آموزان روستای سفیلان چهارمحال و بختیاری رخ داد که در آن ۱۳ دانش آموز دختر و پسر در آتش سوختند. یکی از

سیران یگانه دانش آموز ده ساله پس از چند روز جدال با سوختگیهای عمیق جان باخت، جسد سوخته اش را مامورین امنیتی بشرطی به خانواده اش پس دادند که در پیرانشهر و شین آباد دفن نشود.

در مراسم تدفین سیران، این گل پرپر شده، انبوهی از مردم سوگوار و خشمگین در روستای "پسوه" حضور یافتند. آنها از سخنرانی نماینده مجلس اسلامی ممانعت کردند. حضور ماموران امنیتی به طرز چشمگیری مشاهده میشود.

طی خبرهای منتشر شده، دوازده کودک مجروح دیگر از ارومیه به بیمارستان سینا در تبریز منتقل شده اند. وضعیت جسمی هیجده کودک با پیکرهای سوخته بشدت وخیم است. سه تن از کودکان در حالت اغما و به کمک چادر اکسیژن و تنفس مصنوعی قادر به نفس کشیدن هستند.

این دانش آموزان قربانی بی مبالائی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی هستند.

در حالیکه مدیر مدرسه اعلام کرده بود که این ساختمان چند سال است تخریبی اعلام شده است! درب کلاس باز نشد چون دستگیره نداشت! هیچ راه خروج اضطراری نه در کلاس و نه در مدرسه نبود. پنجره کلاس با نرده های آهنی محصور شده بود. بخاری نفتی کاربرتی مستعمل و خطرآفرین بوده است. وزیر آموزش و پرورش با وقاحت و بی شرمی مشتمن کننده ای که فقط از سران جمهوری اسلامی برمی آید، اظهار می دارد: آموزگار کلاس مقصر بوده است، مدرسه و بخاری کلاس هر دو استاندارد بودند. اگر مدرسه لوبله کشی گاز نداشته، مقصر وزارت نفت است. حال دانش آموزان بستری

زنان رشیده و گذرنامه

فرح صبری

در پی تصویب ضرورت موافقت ولی قهری یا حاکم شرع برای صدور گذرنامه ی دختران زیر چهل سال، زهرا شجاعی معاون امور خانواده مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری گفت: همانگونه که زن حتی در سن ۵۰ - ۴۰ سالگی باید با اجازه همسر خود گذرنامه دریافت کند، دختر نیز باید با اذن پدر این کار را انجام دهد. او در ادامه این استدلال ماهرانه! میگوید: در حال حاضر دختران ۱۸ ساله میتوانند بدون اذن پدر گذرنامه بگیرند و این در حالیست که در اسلام پدر بر دختر ولایت دارد و در موارد متعدد مانند ازدواج دختر با اذن ولی میتواند این کار را انجام دهد. وی در ادامه درافشانی های وقیحانه اش اظهار میدارد: اگر دختری به سن ۴۰ سالگی برسد، چون سن عقلی او کامل شده است میتواند خودش برای خروج از کشور برای مواردی مانند فرصت های مطالعاتی و اخذ تحصیل تصمیم بگیرد. اما دختران زیر ۴۰ سال از نظر شرعی نیز مجاز نیستند که بدون اذن ولی گذرنامه دریافت و از کشور خارج شوند.

خانم شجاعی با کمال دست و دلبازی به زنان این نوید را میدهد که بعد از ۴۰ سالگی میتوانند با رشد عقلی مناسب با خیال راحت برای فرصت های مطالعاتی اخذ تحصیل تصمیم بگیرند! باید به این خانم که معلوم نیست تا چه اندازه عقلشان تکمیل شده گفت نگران نباشید تا همینجا هم زنان منتظر اجازه شما نخواهند بود و بخوبی میدانید که مسیر و چگونگی زندگی زنان در جامعه ایران هیچ

ارتباطی به قوانین عهد حجری شما کپک زده های اسلامی ندارد. از طرف دیگر خانم شهلا لاهیجی مدیر انتشارات مطالعات زنان در نشستی با اشاره به اینکه قوانینی که باید در جامعه وضع شود، باید بتواند همسو با رشد اجتماعی کشور باشد، میگوید: معمولا این يك قاعده اجتماعی پذیرفته شده در بسیاری از کشورهای جهان سوم است که قانون را متناسب با میزان رشد اجتماعی وضع میکنند چرا که اگر قانون وضعیتی بالاتر از میزان رشد اجتماعی داشته باشد جامعه توان اجرای آن را ندارد و اگر قانون پایین تر از سطح رشد اجتماعی باشد، جامعه میلی به اجرای آن را ندارد و آشفته گی اتفاق می افتد. ایشان هم با تر ارتجاعی نسبیت فرهنگی سیاست زن ستیزانه حکومت اسلامی را مورد تائید قرار می دهند.

تصویب چنین طرحهایی در این اوضاع، تلاش وقیحانه ای است که جمهوری اسلامی برای هر چه بیش تحقیر کردن زنان پیش میبرد و میخواهد با تصویب ارتجاعی ترین قوانین، جهنم دست ساز خودشان را تکمیل کنند و در مقابل خشم عمیق جامعه در برابر این طرحهای قرون وسطایی، عوامل و هوادارانش به اراجیف گویی افتاده اند تا بلکه بتوانند رابطه بین این طرحها و شرع مقدس اسلامشان را توضیح دهند.

باید به خانم شجاعی گفت بله ما کاملا توجیه هستیم که همه قوانین ارتجاعیتان از اسلام ناب بیرون آمده و تلاش شما هم همین است که بتوانید حکومتی مانند طالبان بر پا دارید. رویایی که ۳۴ سال است برای تحقق آن تلاش می کنید و به خاطر آن شلاق زده اید،

اسید به صورت زنان پاشیده اید، زندانی و شکنجه و سنگسار کرده اید. این جنگی است بین جامعه ایران و جمهوری اسلامی. جنگی که ریشه در بود و نبود طرفین آن دارد، هم برای جمهوری اسلامی که نماد کثیف ترین و مرتجع ترین شکل سرمایه داری است و هم برای يك جامعه ی زنده و پویا که در برابر بربریت ایجاد شده راهی جز زدن به زیر همه قوانین و مناسبات موجود در برابر خود نمی بینند. برای جمهوری اسلامی جنگ با زنان يك عرصه ی سرنوشت ساز است و همواره در اوج وحشیگری با بکار بستن شنیع ترین قوانین بر علیه زنان تلاش کرده است نیمی از جامعه را به بهانه ی جنسیت به پستوی خانه ها بفرستد و از عرصه ی اجتماعی حذف کند. و به آنها پیشنهاد میدهد بهتر است شغلهایی مانند بافندگی بکنند! رأ انتخاب کنند تا در خانه بمانند و به وظایف زنانه شان بپردازند. و با پررویی تمام بنا به سنت و عرف و شرع ادعا میکنند که اساسا زنان از عقل سلیم برخوردار نیستند و این با اصطلاح عقل! در ۴۰ سالگی تکمیل میشود. هرچند که بنا به حکم این حضرات عقل زنان هیچوقت کامل نمیشود و در صورت ازدواج تا ۱۰۰ سالگی هم باید با اجازه همسر از حق داشتن گذر نامه برخوردار شوند. البته معلوم نیست بنا به چه استدلالی عقل دختران برای ازدواج کردن در سن ۹ سالگی تکمیل میشود و انوقت برای رفتن به سفر قبل از ۴۰ سالگی از عقل کافی برخوردار نیستند.

در برابر این بربریت مطلق روشنفکران اسلامی نظیر خانم لاهیجی به جامعه شناسی

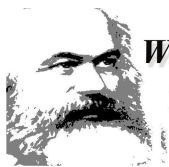
کشورهای جهان سوم میپردازند و تئوری بافی میکنند و از رابطه مستقیم بین میزان رشد اجتماعی و نوع قوانین سخن میگویند و نگران این هستند که ممکن است جامعه به آشفته گی بیافتد. خانم لاهیجی برای جلوگیری از این "آشفته گی" راه چاره را در اضافه کردن شرط "رشیده" بودن به این قانون میدانند و پیشنهاد می کنند که زنان باید بعد از ۴۰ سالگی! گواهی رشیده بودن را از دست متعفن يك شیخ الشیوخ بگیرند!

واقعا باید گفت شرمستان باد! و بدانید جواب شما را مردم با شیوه زندگیشان خواهند داد و بساطتان را جمع خواهند کرد تا به خوبی شیر فهم شوید که میزان رشد اجتماعی تا چه اندازه است! این رشد اجتماعی را مردم در جنگ روزمره با جانیان اسلامی بدست آوردند و هر روز بیشتر دریافتند که برای زندگی کردن باید از تمام سنتها و عرف و شرع پوسیده قرون وسطایی عبور کنند. و در برابر هر هجومی که جمهوری اسلامی در طی ای سالها تدارک دیده است مردم با شیوه های مختلف طرحهایشان را خنثی کرده اند.

به اعتراف خود این جانیان سالها دختران جوان برای داشتن گذرنامه و حق خروج از کشور به

ازدواجهای صوری دست میزدند و بعد از گرفتن مجوز خروج به عنوان فرد مستقل به زندگی شان ادامه میدادند و جمهوری اسلامی میبیند که هرچه بیشتر تلاش میکند کمتر موفق میشود و زنان مصرترا از قبل با بکار بردن انواع ابتکارات موانع را از سر راه برمیدارند و هیچ کداز از این قوانین ضد زن تا حال نه تنها نتوانسته از عزم مصمم زنان برای بودنشان در تمامی عرصه های اجتماعی و داشتن يك زندگی انسانی خللی وارد سازد، بلکه کل جامعه امروز نسبت به نقشه های شوم جمهوری اسلامی علیه زنان عکس العمل نشان میدهند و امروز دیگر عرصه مبارزه بر سر حقوق زنان تنها يك عرصه زنانه نیست و از حمایت کل جامعه برخوردار میباشد.

اما جامعه ایران و زنان ایران راه خود را انتخاب کرده اند و در برابر احکام وحشیانه ی نابودی و تبعیض جانیان اسلامی خواهان يك دنیای مدرن و شاد و انسانی بدور از تبعیض و نابرابری هستند و در این مبارزه تمامی زنجیرهای مذهب و شرع و سنت را پاره خواهند کرد و با اتحاد و یکدلی به شیوه ای کاملا انسانی بساط جانیتکاران سرمایه اسلامی را جمع خواهند کرد.*



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان یک ذره کوتاه نمایند

اطلاعیه شماره ۱۸

تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان همچنان ادامه دارد و مقامات و مسئولین را به ستوه آورده است. طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است بازنشستگان پی در پی در خیابان نشاط مقابل دفتر اداره بازنشستگی و یا برخی خیابان های اصفهان دست به تجمع و راه بندان میزنند. تحت فشار این تجمعات مقامات ذوب آهن بخشی از سهام ذوب آهن اصفهان را فروختند و حقوق معوقه مهرماه کارگران را پرداخت کردند. تجمعات اعتراضی کارگران که از چند ماه قبل وارد دور تازه ای شده است، وسیعا در میان مردم اصفهان منعکس شده و با حمایت و همبستگی مردم همراه شده

است. موسوی لارگانی، نماینده رژیم در مجلس اسلامی میگوید کارگران هرروز يك خیابان را در اصفهان می بندند و از مسئولین خواسته است برای جلوگیری از گسترش این اعتراضات فکری به حال این مساله بکنند. در حال حاضر بازنشستگان ذوب آهن حقوق ماههای آبان و آذر و برخی معوقه های از قبل را طلب دارند و بر سایر خواست های خود یعنی افزایش فوری حقوق ها، افزایش سالانه حقوق ها بالاتر از نرخ تورم و بر طب و آموزش رایگان پافشاری میکنند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مطالبات و مبارزات کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان حمایت میکند و کارگران و مردم شریف اصفهان را به حمایت فعال از خواست های بازنشستگان فرامیخواند. حزب

همچنان بر اهمیت حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی آنها تاکید میکند. ایجاد کمیته های همبستگی با کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان یکی از راههای تقویت این مبارزه است. حزب از دانشجویان و جوانان و از کارگران و اعضای خانواده های آنها میخواهد با ایجاد کمیته های همبستگی با بازنشستگان، خبر اعتراضات آنها را به گوش مردم اصفهان و رسانه ها برسانند، مردم را ترغیب به شرکت در تجمعات کارگران کنند و بیانیه پنج ماده ای آنها را هرچه وسیعتر توزیع کنند.

زنده باد همبستگی کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ آذر ۱۳۹۱
۱۱ دسامبر ۲۰۱۲

متن بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

کارگران، زحمتکشان و بازنشستگان صنعت فولاد ایران خسته نباشید. پیروزی تان مبارک باد
به همت و تلاش بیوقفه شما در طول این چند سال اکنون توانسته ایم بخشی از مطالبات از دست رفته خود را بدست آوریم. این جز در سایه اتحاد و همبستگی و تشکل کارگری امکان پذیر نبوده است. باشد در آینده بتوانیم با همت بلند و اتحاد شما رنجبران و زحمتکشان به سایر خواستهایمان که به شرح زیر است برسیم:

۱- پرداخت حقوقهای ماهانه و طلبهای معوقه در سرفوعد
۲- خدمات بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، بخصوص در ایام کهولت و پیری

حق مسلم ما است.

۳- تحویل رایگان در همه سطوح از جمله در سطح دانشگاه
۴- افزایش فوری دستمزدها و افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم سال
۵- از همه بازنشستگان ذوب آهن میخواهیم که هفته ای دو روز از ساعت ۹ تا ۱۲ در محل دفتر بازنشستگی تجمع کنند تا پیگیر خواستهایشان باشند و از تصمیم گیری های مسئولین مطلع گردند.
در پایان از همبستگی مردم شهر اصفهان و همه رسانه هایی که صدای ما را منعکس کردند، سپاسگزاریم.

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان
بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱

توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بروی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۲ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

کارگران علیه قانون کار اسلامی و "لایحه اصلاحی" آن

آنچه بنام "لایحه اصلاح قانون کار" توسط دولت احمدی نژاد به مجلس اسلامی ارائه شده را هیچ چیز جز تقلای مذبحخانه حکومت منفور اسلامی برای به بردگی کشاندن میلیونها کارگر نمیتوان نامید. در شرایطی که میلیونها کارگر فی الحال بدون هیچ بیمه ای به بیکاری کشیده شده اند، در شرایطی که دستمزد کارگران چندین برابر زیر خط فقر است و تورم بیداد میکند و خانواده های کارگری زیر فقر و گرسنگی دارند مچاله و قربانی میشوند، جنایتکاران مفتخور حاکم در تلاشند تا باز هم بیشتر رمق کارگران را بکشند، شرایط کار را سخت تر کنند، اخراجها را گسترش دهند و بار بحران اقتصادیشان را بر دوش کارگران بیندازند تا ثروتهای میلیاردری آخوندها و کارفرمایان گزندی نبینند. این تلاشی شرم آور و جنایتکارانه است و باید با اعتراض و مبارزه قاطع کارگران در سراسر کشور علیه کل قانون کار و کل حکومت اسلامی پاسخ بگیرد و پاسخ خواهد گرفت.

در این لایحه که روز ۱۴ آذر به مجلس اسلامی داده شد، دولت احمدی نژاد تلاش دارد تمام آنچه را که در اثر مبارزات کارگران در سالهای قبل در دوره تصویب متن اصلی قانون کار به حکومت تحمیل شده است، کنار بزند و این قانون را تماما به قانون به بردگی کشاندن کارگران تبدیل کند. بنا به این لایحه دست کارفرمایان در اخراج کارگران به بهانه های مختلف بازرتر میشود، مبنای دستمزد پایه کارگران سیال تر میشود،

محدودیت ساعت کار روزانه از بین میرود و ساعت کار به "توافق کارفرما و کارگر" یعنی در واقع زور کارفرما بر کارگران سپرده میشود، بسیاری از مزایای کارگران که بخشی از حقوق و دستمزد واقعی آنهاست قطع میشود، شرایط کار بدتر میشود و ارگان کنترل کارفرمایان بر کارگران بنام "کمیته انضباطی" دست بازتری بر تهاجم به کارگران پیدا میکند. در لایحه مزبور در رابطه با تعیین حداقل دستمزد فاکتوری بنام "شرایط اقتصادی کشور" نیز وارد میشود که میتواند همیشه به عنوان چماقی علیه کارگران و برای جلوگیری از افزایش دستمزد بکار رود. مزایای قانونی برای اضافه کاری و شیفت کاری نیز کنار زده میشود. اینها تنها چند نمونه از آن اصلاحات کذابی است که حکومت میخواهد به کارگران تحمیل کند.

کارگران در سالهای اخیر بارها علیه کل قانون کار جمهوری اسلامی دست به مبارزه زده اند و علیه آن اعلام کیفیت خواست کرده اند. زیرا این قانون در کلیت خود یک قانون ضد کارگری است و بسیاری از حقوق کارگران مثل حق اعتصاب و تشکل و نظارت کارگران بر شرایط کار و تعیین دستمزد و امثالهم از کارگران سلب شده است. و امروز در برابر لایحه اصلاحی دولت احمدی نژاد کارگران باید با قدرت و اتحادی بیش از گذشته علیه کل قانون کار و لایحه اصلاحی بمیدان بیایند. مساله اینست که در لایحه اصلاحی دولت احمدی

نژاد، در عین حال جای پای جنگ جناحها و باندهای جمهوری اسلامی را نیز میتوان دید. بنا به این لایحه شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی جایگاه رسمی خود را در قانون کار از دست میدهد و جای آنها به "انجمن های صنفی" داده میشود و محدودیتهایی از این قبیل بر "خانه کارگریها" و شوراهای اسلامی وارد میشود. همین باعث شده است که اینها نیز خود را مخالف "لایحه اصلاحی" مزبور اعلام کنند و در این جنگ میخواهند کارگران را به سیاهی لشکر یک جناح علیه جناح احمدی نژاد تبدیل کنند. همه کارگران نقش خانه کارگر و شوراهای اسلامی را طی سی سال حکومت اسلامی دیده اند و لمس کرده اند و میدانند که اینها ارگانهای جاسوسی و سرکوب حکومت اسلامی علیه کارگرانند و ذره ای حقوق کارگران را نمایندگی نمیکند.

شکاف میان دولت و مجلس اسلامی و خانه کارگریها و امثالهم، فقط مبارزه کارگران را تسهیل میکند و به کارگران این امکان را میدهد که بتوانند کل قانون کار جمهوری اسلامی و اصلاحیه اش را عقب برانند و خواستههای خود را بر کارفرمایان و دولت اسلامی شان تحمیل کنند. این در صورتی است که کارگران بدون هیچ تردیدی علیه هر دو سوی این کشاکش بایستند. کارگران بر خلاف شوراهای اسلامی و خانه کارگریها از قانون کار اسلامی دفاع نمیکند. برعکس سالها با

آن مبارزه کرده اند و کاملاً علیه آن هستند و باید با همین موضع علیه اصلاحیه این قانون نیز بایستند.

حزب کمونیست کارگری همه فعالین و رهبران کارگری را به بر پا داشتن جنبشی متحد و سراسری علیه قانون کار و لایحه اصلاحی آن با تکیه بر خواست افزایش چندین برابر دستمزدها، حق اعتصاب و حق تشکل، بیمه بیکاری مکفی، ممنوعیت اخراج و سایر خواست های خود فرا میخواند. اینها خواستهایی است که کارگران در فرصتهای مختلف از جمله در طومار بیست هزار نفری خود بر آن تاکید کرده اند و باید بر همین اساس و با دفاع از

همین خواستهها و دیگر خواستههای پایه ای خود، لایحه اصلاحی قانون کار حکومت و کل قانون کارش را به زباله دان بیندازند. اینکه جمهوری اسلامی در شرایط بحران و درهم ریختگی شدید صفوفش تعرضی تازه به کارگران را آغاز کرده است، در عین حال فرصتی است برای فعالین کارگری که بتوانند جنبش کارگری را متحدتر کنند و حرکتی تعرضی و سراسری علیه این حکومت و کل قوانینش به جریان اندازند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آذر ۱۳۹۱
۱۲ دسامبر ۲۰۱۲

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!